



## چالش‌های مراکز مراقبت بعد از خروج در پیشگیری از تکرار بزهکاری توسط مددجویان است

قیصر قلاوند<sup>۱</sup>

غلامحسین مسعود<sup>۲</sup>

محسن شکرچی زاده<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۹/۰۴

### چکیده

با افزایش نرخ بزهکاری و افزایش تعداد زندانیان، مرحله پساکیفی در راستای بازپروری مجرمان مورد توجه قرار گرفت. به‌طور کلی پیشگیری از تکرار جرم و لزوم حمایت از افسار آسیب‌دیده، اتخاذ تدابیر مراقبت بعد از اعمال کیفر بر مجرمان را توجیه می‌نماید. هدف از این پژوهش، بررسی آسیب‌شناسی سیاست‌های مرکز مراقبت بعد از خروج در زمینه پیشگیری از تکرار بزهکاری می‌باشد. سؤال اساسی تحقیق حاضر، این است که آیا مرکز مراقبت بعد از خروج به کیفیتی که در ایران ایجاد شده است، بر عدم بازگشت مددجویان به زندان مؤثر است؟ حال در پژوهش حاضر، با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی، سیاست‌های مرکز مراقبت بعد از خروج را مورد امعان نظر قرار داده و این نتیجه حاصل شد که ارتباط صمیمانه مددجویان با مددکاران، هم در دوران نگهداری در کانون و هم پس از آن، مددجویان را در تشکیل زندگی اجتماعی سالم کمک کرده و می‌تواند موجب عدم بازگشت آن‌ها به کانون اصلاح و تربیت باشد؛ اما در حال حاضر به عللی از جمله مشکلات مالی و متعاقب آن، تخصیص ندادن بودجه به این مرکز، این نهاد بیش‌ازپیش ضعیف شده و نمی‌تواند پاسخگوی جمعیت زیاد زندانیان و سامان بخشیدن به زندگی آنان، پس از خروج از زندان باشد؛ بنابراین این نهاد، برای انجام وظایف خود، نیازمند حمایت و توجه بیشتر از سوی دولت می‌باشد.

### کلید واژه‌ها

- <sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. ghalavandd.law@gmail.com
- <sup>۲</sup> استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول): Dr.gh.masood@gmail.com
- <sup>۳</sup> استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. mohsen.shekarchi@gmail.com

تکوین شخصیت جنایی. مسیر گذار مجرمانه، تحلیل محتوا، جرم‌شناسی ادبی.

## مقدمه

آثار زیان‌بار زندان برای مجرمین بر هیچ‌کس پوشیده نیست. از زندان در منابع جرم‌شناسی به‌عنوان دانشگاه جرم‌آموزی نام برده شده است، لیکن بنا بر متون قانونی و جهت‌بازدارندگی عمومی و تأمین امنیت و آرامش افراد جامعه، در مواردی، محکومیت و نگهداری مجرمین در زندان، ضروری و گریزناپذیر است (رستمی تبریزی، ۱۳۹۲: ۴۰۵). با اتمام دوره محکومیت و آزادی از زندان و در تلاش برای بازگشت به زندگی عادی و سالم، بسیاری از مجرمان با مشکلات و تنگناهایی مواجه می‌شوند و با عدم توانایی و آگاهی از چگونگی رفع موانع مذکور، اجباراً به فعالیت‌های بزه‌کاران بازمی‌گردند. مشکلات مذکور برای اقتدار آسیب‌پذیر مانند زنان دوجندان است. آنان در برابر مسائلی از قبیل بازگشت به زندگی خانوادگی، حضانت کودکان و بازیافتن موقعیت فردی و اجتماعی، با موانع بیش‌تری برخورد نموده و در مقابله با برچسب مجرمانه، به حمایت و مساعدت بیش‌تری نیاز دارند. بی‌توجهی مسئولین به حل و رفع مشکلات اقتصادی، اشتغال، مسکن و سایر مشکلات جسمی، روانی، خانوادگی و اجتماعی زندانیان آزادشده، هم‌چنین عدم نظارت و مراقبت از آن‌ها، نهایتاً منجر به تکرار جرم شده و سیکل و دوره جرم مجازات را تداوم می‌بخشد. توجه و برنامه‌ریزی نهادهای متولی زندانیان، مانند سازمان زندان‌ها، انجمن حمایت از زندانیان و مرکز مراقبت پس از خروج، برای نظارت و تداوم مراقبت و مساعدت در رفع مشکلات عدیده زندانیان پس از خروج می‌تواند از تکرار جرم پیشگیری نموده و آنان را در بازگشت به زندگی سالم و عادی یاری و کمک نماید (رستمی تبریزی، ۱۳۹۲: ۴۰۶).

در واقع، از جمله مسائل مهم و اساسی و چالش‌برانگیز مراکز تأمین و تربیتی کشور که تا حدود زیادی هزینه‌بر و اتلاف‌کننده سرمایه انسانی اقتصادی است، تحمیل هزینه بازگشت زندانیان آزادشده به جرم سابق یا جدید و بازگشت آن‌ها به زندان‌هاست، به‌طوری‌که مطالعات پیشینه کیفی زندانیان به‌راحتی نشان‌دهنده بالا بودن میزان تکرار جرم در زندان‌های کشور است (پولادی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۳). علت این تکرار جرم نیز شکافی است که از نظر اقتصادی و اجتماعی، به دلیل جدایی از ساختارهای کلان جامعه برای بزهکار به وجود آمده است. به عبارت روشن‌تر، وقتی بزهکاری سال‌های متمادی از عمر خود را در زندان گذرانده، پس از آزادی با مشکلات عدیده‌ای، از جمله بیکاری و فقر، جدایی عاطفی از خانواده و مسائل مرتبط با آن مواجه خواهد شد. حال، این شکاف و فقر ارزشی و مالی را می‌توان بستری برای بازگشت به جرم در آن‌ها دانست، زیرا مطالعات نشان می‌دهد بسیاری از تکرارکنندگان جرم، افراد بیکار یا افراد بیکار جویای کار بوده‌اند (براتوند و اسدالهی، ۱۳۸۴: ۷۸)؛ به همین دلیل است که برخی از صاحب‌نظران، بر وجود اشتغال و تأثیر پیشگیرانه آن در وقوع جرم تأکید داشته‌اند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۰۲). در مقوله پیشگیری به‌طور اخص و کاهش تکرار جرم توسط برخی زندانیان آزادشده و فلسفه آن، سخنان بسیاری

گفته شده و برنامه‌های فراوانی نظیر همایش‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها و ... تدارک دیده شده است، اما آنچه در این گزارش به آن پرداخته می‌شود، توجه به مبحثی نو در زندانبانی اسلامی است که بدون شک، یکی دیگر از ویژگی‌های ممتاز و متمایزکننده این مدل از موارد مشابه بوده و آن تأسیس و راه‌اندازی تشکیلاتی تحت عنوان مراکز مراقبت بعد از خروج در ادارات کل زندان‌های کشور است. با توجه به این‌که نگهداری مجرمان در زندان‌ها هزینه‌های بسیار هنگفت را بر جامعه تحمیل می‌کند و نیز از آنجاکه مجازات حبس بسته به شرایط خاصی که برای زندانیان و خانواده‌های آنان پیش آمده، اثرات مخرب اجتماعی، اعتقادی، اقتصادی و روانی گهگاه غیرقابل جبران برجای می‌گذارد، بنابراین ارائه راهکار جدیدی به‌منظور پیشگیری از تکرار جرم توسط زندانیان آزادشده و جلوگیری از بازگشت مجدد آنان به زندان، ضروری به نظر می‌رسید. مرکز مراقبت بعد از خروج زندان‌ها نیز با همین هدف راه‌اندازی گردید. نظر به اینکه در دین مبین اسلام و فرمایشات ائمه اطهار، به حمایت و احسان به انسان گناهکار و مجرمین نادم توجه بسیار شده است، جایگاه این مرکز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. اندیشه اداره‌کنندگان زندان‌ها در راستای اعطای استقلال حرفه‌ای و مالی زندانیان بعد از یک دوره محرومیت از امتیازات و وسایل هدفمند جامعه می‌باشد که در این جهت، مرکز مراقبت بعد از خروج، به‌عنوان پلی ارتباطی بین زندان و جامعه طراحی و ارائه گردید. این اداره وام‌های خوداشتغالی کم‌بهره و بعضاً بلاعوض به زندانیان نیازمند اعطا می‌نماید تا در راستای استقلال مالی آن‌ها گام بردارد (اسداللهی، عبدالرحیم و محسنی تبریزی، ۱۳۸۸: ۳۰۵).

خدمات مرکز مراقبت بعد از خروج زندانیان، به‌طورکلی در دسته‌بندی‌های متعددی ارائه می‌شوند؛ خدماتی نظیر مددکاری، پرداخت تسهیلات اشتغال‌زایی، خدمات مشاوره‌ای، خدمات حقوقی، اعطای کمک بلاعوض، معرفی به نهادهای حمایتی برای استفاده از خدمات آن‌ها، برگزاری کلاس‌های آموزشی و خدمات متادون درمانی به مددجویان معتاد معرفی‌شده از زندان‌ها از اهم برنامه‌های مرکز مراقبت بعد از خروج زندان می‌باشد. مراکز مراقبت بعد از خروج می‌بایست گام‌های مؤثرتری در جهت ارائه خدمت فراگیر به همه زندانیان، بدون توجه به نوع جرم و سابقه کیفری بردارد تا از تکرار بزهکاری پیشگیری نموده و آسیب‌های اجتماعی را کاهش دهد. لذا این مسائل، موضوع آسیب‌شناسی سیاست‌های مراکز مراقبت بعد از خروج در زمینه پیشگیری از تکرار بزهکاری را مطرح می‌نماید. به‌موجب بند «ح» ماده ۲ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به «سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» و در راستای اصلاح تربیت زندانیان باهدف پیشگیری از وقوع جرم از طریق حمایت مادی و معنوی زندانیان آزادشده واجد شرایط (مددجویان) و فراهم نمودن زمینه مساعد جهت بازگشت به یک زندگی سالم اجتماعی، اداره مراقبت بعد از خروج با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط تشکیل می‌گردد. حال در پژوهش حاضر، بر آنیم تا باهدف پیشگیری از تکرار جرم، با روش توصیفی تحلیلی، به این سؤال پاسخ دهیم که مراکز مراقبت بعد از خروج در پیشگیری از تکرار بزهکاری با چه چالش‌هایی همراه است؟

## ۱. پیشینه تحقیق

خلیلی عمران (۱۳۹۲) در تحقیقی با موضوع «نقش فرایند کیفی در پیشگیری از تکرار جرم» دریافت که چنانچه شخصی به زندان وارد شد، نباید وی را به حال خود رها کرد، بلکه برنامه‌های اصلاحی زندان می‌تواند در امر باز اجتماعی شدن وی کمک فراوانی نماید و درنهایت، از تکرار جرم آن‌ها پیشگیری کند. برای این مهم باید مرحله پساکیفری مدنظر باشد.

اصغری (۱۳۹۳) نیز در تحقیق خود با عنوان «حس زدایی و نقش آن در پیشگیری از تکرار جرم» به این نتیجه رسید که هرچه میزان خدمات‌دهی مراکز مراقبت بعد از خروج از زندان کم‌تر باشد، تکرار جرم افراد بیش‌تر خواهد شد.

افراسیابی و خرم پور (۱۳۹۳) در تحقیق خود با موضوع «سرمایه اجتماعی و تکرار جرم در میان زندانیان» به این نتیجه رسید که سرمایه اجتماعی سازنده رابطه منفی و سرمایه اجتماعی مخرب رابطه مثبتی با تکرار جرم دارد و دین‌داری به‌عنوان یکی از عوامل سرمایه اجتماعی با تکرار جرم رابطه منفی دارد.

محبیان (۱۳۹۵) در تحقیق با موضوع «کارکرد اداره مراقبت بعد از خروج از سازمان زندان و تأثیر آن در پیشگیری از جرم» دریافت که فعالیت‌ها و اقدامات مرکز مراقبت بعد از خروج از سازمان زندان‌ها در طول دو دهه‌ی اخیر تأثیرات ارزشمندی در اصلاح و تربیت بزهکاران در سراسر کشور و بازگرداندن آن‌ها به جامعه و زندگی سالم داشته است، اما با توجه به تعداد بالای زندانیان و همچنین بحران‌های اجتماعی و اقتصادی موجود در جامعه، به نظر می‌رسد، این اداره نیازمند حمایت بیشتری از سوی مسئولین و تخصیص بودجه برای بهبود و توسعه اقدامات و افزایش عملکرد خود است.

## ۲. مبانی نظری

نظریه‌های مختلفی در خصوص تأثیر مراکز مراقبت و اشتغال‌زایی در کاهش تکرار جرم وجود دارد؛ مواردی را به‌عنوان نمونه و به‌اختصار در ادامه بیان خواهیم کرد:

**نظریه کنترل اجتماعی<sup>۱</sup> هیرشی، رکلز، فرایدی و هیگ<sup>۲</sup>:** هیرشی در این خصوص بیان می‌دارد، جامعه نظاره‌گر رفتار مجرمان است؛ پس باید شخص بزهکار را هنجارمند و ارزشمند کرده و از این طریق، مانع از تکرار جرم شد. شخص ناهنجار، احساس تعلق خاطر به گروه ندارد. از آن‌ها می‌گریزد و برای مدتی در بی‌هنجاری، یا کژ هنجاری، به سر می‌برد؛ زیرا هنجار مطلوبی نمی‌یابد تا جانشین هنجارهای پیشین سازد. البته تمام هنجارها را از دست نمی‌دهد، اما خود را کنار می‌کشد و کمتر خود را با دیگران هم‌نوا و هم‌سان می‌یابد. حال، این اقدام هنجارمندی بزهکاران را مراکز مراقبت می‌توانند با بهره‌گیری از ابزارهای

<sup>1</sup> Theory of social control, (1969).

<sup>2</sup> Travis Hirshi, Walter Reckless, Friday and Hages.

بالینی و ترمیم خلأهای فردی، محیطی و بازسازی شخصیت مجرمان و آشنایی آنان با سنت‌ها، ارزش‌های بنیادی و فرهنگ جامعه و انواع مهارت‌ها، انجام دهند و آنان را هنجارمند و سازگار نمایند و به بزهکاران چگونگی برخورد اجتماعی در مناسبت‌های مختلف اجتماعی را تعلیم و آموزش دهند تا به این ترتیب به سمت تابعیت از الزامات جامعه هدایت شوند. (اسدالهی و همکاران، ۱۳۸۸)

**نظریه احساس انزوای اجتماعی ملوین سیمین:**<sup>۱</sup> نظریه مذکور بر این مفروض استوار است که احساس انزوای اجتماعی که پیرو آن، بخشی از احساسات فرد دچار بی‌هنجاری اجتماعی و از خودبیگانگی است، می‌تواند بستر انحراف و آسیب اجتماعی را فراهم آورد. در این رابطه مراکز مذکور می‌توانند از طریق تعلیم و آموزش مهارت و حرفه‌ای خاص به بزهکاران، آنان را پس از خروج از زندان، در امور مختلف مشارکت دهند و از این طریق، بستر باز اجتماعی شدن آنان را نیز فراهم نمایند. همچنین می‌توانند در صورت نیاز به مداوای پزشکی، آنان را به منظور بهبود اختلالات روانی یا افسردگی، نزد متخصص روان‌پزشکی یا روانشناس معرفی نمایند. (علمی و همکاران، ۱۳۸۹)

**سرمایه اجتماعی:** ویلیامز و سیکلس<sup>۲</sup> (۲۰۰۰: ۴۰) بیان می‌کنند که سرمایه اجتماعی از طریق اثر بر روی هنجارهای اجتماعی بر تصمیمات فردی در ارتکاب جرم تأثیر می‌گذارد. آن‌ها مدعی هستند که مشارکت در اعمال مجرمانه، ارزش سرمایه فردی را در سرمایه اجتماعی، ازدواج، شهرت و شغل کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، افراد با خانواده و شغل خوب اگر به خاطر ارتکاب جرم دستگیر شوند، در مقایسه با افرادی که این منابع را ندارند، بیش‌تر ضرر می‌کنند. به‌طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت که مجرمان وقتی که نتایج اقدامات حاضرشان را در آینده ترسیم می‌نمایند، به‌صورت عقلانی رفتار می‌کنند. در همین راستا، ایمای و کریشنا<sup>۳</sup> (۲۰۰۴: ۸۴۹) شواهدی یافتند که وقتی احتمال دستگیری باعث به خطر افتادن گرفتن شغل افراد در آینده می‌شود، ارتکاب جرم کم‌تر می‌شود؛ بنابراین، افزایش سرمایه اجتماعی بر کاهش بزهکاری تأثیر دارد. افزایش سلامت روانی افراد از طریق فراهم آوردن حمایت‌های عاطفی و روانی از طریق مراجع مذکور و آموزش به خانواده بزهکاران، تقویت هنجارهای مستحکم بده بستان و هنجارهای همیاری و اعتماد از کارکردهای مثبت سرمایه اجتماعی است که می‌تواند افراد جامعه را در حل مشکل کنش جمعی یاری برساند. (ایران پور و همکاران، ۱۳۹۹)

**نظریه تقلید و الگوسازی:**<sup>۴</sup> این نظریه، نخستین تلاش برای توصیف رفتار مجرمانه بر اساس یادگیری بهنجار می‌باشد، این نظریه هنوز هم تاندازه‌ای اهمیت خود را برای جرم‌شناسان حفظ کرده است. گرچه یکی از بزرگ‌ترین ایراداتی که به این نظریه گرفته می‌شود، اتکای آن بر یک مدل ساده‌انگارانه یادگیری است. (پارسا، ۱۳۸۳، ۲۱۷) تارد با بررسی طبیعت جنایت‌های مختلف تقلید را علت واقعی و اساسی

<sup>۱</sup> Theory of Social Isolation, Melvin Seeman, (1979).

<sup>۲</sup> Social Capital, (1916): Williams & Sickles.

<sup>۳</sup> Imai, & Krishna

<sup>۴</sup> Theory of imitation and modeling, (1980).

وقوع جرائم اجتماعی اعلام کرد و دامنه آن را تا آنجا وسعت بخشید که جامعه بدون تقلید را غیرقابل تصور دانست. به نظر تارد در جامعه‌شناسی همه‌چیز به روابط بین افراد خلاصه می‌شود، لذا اجتماع از گروهی از مردم تشکیل شده است که به تقلید از یکدیگر مشغول می‌باشند. البته بعدها نظریه‌های دیگری بر پایه و تکمیل نظریه تارد<sup>۱</sup> به وجود آمد که از آن‌ها می‌توان به نظریه معاشرت ترجیحی ساترلند<sup>۲</sup> اشاره کرد.

**نظریه معاشرت ترجیحی:** نظریات مرتبط با یادگیری ارسطو زمینه برخی از نظریات جرم‌شناسی از جمله نظریه معاشرت ترجیحی را فراهم آورده است. (پروین، ۱۳۸۸، ۲۰) نظریه معاشرت‌های ترجیحی در بین نظریه‌های تبیین بزهکاری، ادامه نظریه‌های یادگیری اجتماعی و قوانین تقلید تارد است که در دو مرحله به‌وسیله ساترلند تبیین شده است. ساترلند یک تئوری عمومی رفتارهای کیفری را با تأکید بر اینکه جرم در فضای اجتماعی آموخته می‌شود ایجاد نمود. معاشرت‌های ترجیحی تابعی است از کثرت، مدت و شدت تماس؛ بدین معنا که هرچه مدت تماس بیشتر باشد، امکان متمایل شدن به نظر گروه بالاتر است.

**جرم‌شناسی فرهنگی<sup>۳</sup>:** آلبرت کوهن، ریموند گسن و تورستن سلین<sup>۴</sup> از مشهورترین نظریه‌پردازان این حوزه هستند. جرم‌شناسی فرهنگی به‌عنوان رویکرد نظری متمرکز بر مطالعه بافت فرهنگی جرم و بزهکاری، محصول دهه ۱۹۹۰ میلادی است. این جرم‌شناسی که به اعتبار برخوردار از روش‌شناسی کیفی، در نقطه مقابل جرم‌شناسی‌های سنتی و کمی قرار می‌گیرد، در راستای مفهوم‌سازی پدیده‌های بزهکارانه و کژ روانه، توجه ویژه‌ای به تمامی عناصر فرهنگی پویا در بیرون و درون بزهکار داشته و از این‌رو، سعی در درک همدلانه و فهم عمیق احساسات، هیجانات، لذات و وجدی دارد که ارتکاب برخی جرائم و بزه‌ها برای مرتکبان‌شان به همراه دارند. (آقایی، ۱۳۹۷، ۱۹۱) جرم‌شناسی فرهنگی به‌عنوان نقطه تلاقی جرم‌شناسی و مطالعات فرهنگی بافاصله گرفتن از علت کاوی‌های عموماً بیرونی و تأکید مفرط بر زمینه‌های فردی و ساختاری، جرم و مجرم را بر ساختی اجتماعی نیز تلقی می‌کند که برای فهم آن‌ها الزاماً می‌بایست به زمینه‌ها، متن اجتماعی و روابط قدرت در جامعه تأملی جدی داشت. (ذکایی، ۱۳۹۱)

### ۳. اهمیت و انواع پیشگیری از تکرار جرم

واضح و مبرهن است حقوق کیفری در تمامی سطوح مختلف تقنینی، قضایی و اجرایی خود هدف کنترل جرم را دنبال می‌کند. این هدف از طریق راهبردهای کنشی و واکنشی متعددی دنبال می‌شود. مشخصاً بخش عمده‌ای از این راهبردها نیز به دنبال پیشگیری از ارتکاب جرم و تکرار رفتار نابهنجار هستند. امروز راهبردهای پیشگیرانه به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از سیاست جنایی بسیار حائز اهمیت هستند و سیاست‌گذاران حوزه حقوق کیفری نیز آن‌ها را به طرق مختلفی تقسیم‌بندی و طرح‌ریزی می‌نمایند.

<sup>1</sup> Gabriel Tard

<sup>2</sup> Preferential social theory, Sutherland, (1939-1974)

<sup>3</sup> Theory of cultural criminology

<sup>4</sup> Albert Cohen, Raymond Gassen and Thorsten Celine

### ۳-۱ اهمیت پیشگیری از تکرار جرم

پیشگیری از جرم را می‌توان، مجموعه اقدامات و تکنیک‌های اتخاذی توسط جامعه و دولت که باهدف کاهش میزان وقوع جرائم اتخاذ می‌شود، تعریف کرد (McLaughlin & Muncie, 2012). لغت پیشگیری در منابع فارسی، به معنای متعددی به کار رفته است که می‌توان به جلوگیری (معین، ۱۳۶۰)، دفع، مانع شدن، جلوگیری و هم‌چنین به معنای اقدامات احتیاطی (مشیری، ۱۳۶۴)، برای جلوگیری از اتفاقات بد و ناخواسته اشاره نمود (بیگی و داداشی، ۱۳۹۶: ۲۹). می‌توان این‌گونه واژه پیشگیری را تفسیر نمود که در معنای جاری و متداول آن دارای دو بعد است: پیشگیری یا جلوگیری کردن، هم به معنی پیش‌دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی رفتن و هم به معنای آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن است؛ اما در جرم‌شناسی پیشگیرانه، پیشگیری در معنای اول مورد استفاده واقع می‌شود؛ یعنی با کاربرد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری و هدف به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکاری است (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۸: ۱۳۵). در واقع، به لحاظ این‌که انسان دارای ابعاد گوناگون زیستی، روانی و اجتماعی است و احتمال ابتلا به اختلال و ناهنجاری در هر یک از زمینه‌های مذکور وجود دارد؛ لذا به کار بردن روش‌های احتیاطی و کنترلی و انجام اقدامات پیشگیرانه در جلوگیری از ابتلای انسان به اختلال و ناهنجاری‌ها در هر یک از ابعاد فوق‌الذکر، به معنای پیشگیری می‌باشد. از نقطه نظر علمی، منظور از پیشگیری، هرگونه فعالیت سیاسی جنایی است که هدف انحصاری یا جزئی آن، محدود ساختن امکان وقوع اعمال جنایی است که منجر به ناممکن ساختن یا دشوار نمودن یا کاهش وقوع جرم خواهد شد (گسن، ۱۳۷۰: ۱۳۳). در هر مکتب و منطقی این امر پذیرفته شده است که همواره پیشگیری بهتر از درمان و مقدم بر آن است و عرف نیز بر این قائل است که علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد. پیشگیری از وقوع جرم باعث سالم ماندن فضای اجتماعی و فرهنگی جامعه و تأمین امنیت آن می‌شود و نقش سازنده‌ای را ایفا می‌کند. در همین رابطه، جرم‌شناسی الهام گرفته از بینش تحقیقی ضمن اعتقاد به جبرگرایی، علت بزهکاری را سازمان زیستی، روانی و اجتماعی افراد می‌داند (فتح الهی، حسینعلی زاده و حاجعلی صالحی، ۱۳۹۵: ۹۱).

### ۳-۲ انواع پیشگیری از تکرار جرم

پیشگیری از جرم را از حیث زمان اجرا می‌توان به دودسته تقسیم کرد: الف) پیشگیری کوتاه‌مدت که هدف از برنامه‌های کوتاه‌مدت، اقدامات پیشگیرانه سریع و ضربتی در جهت کنترل و مهار جرائم است تا بستر و زمینه‌های برنامه‌ریزی فراهم گردد؛ مانند فراهم نمودن روشنایی بیش‌تر خیابان‌ها و یا بستن محله‌ها و اماکن جرم‌زا (ب) پیشگیری بلندمدت که به سازوکارهایی اطلاق می‌شود که در یک فرآیند زمانی مدت‌دار صورت می‌گیرد؛ مانند فراهم نمودن بستر لازم برای دسترسی افراد به موقعیت‌های مناسب و کافی، آموزش و پرورش، تدوین و اجرای سیاست‌های کلی جهت ایجاد اشتغال برای اعضای جامعه (اشراقی، ۱۳۸۹: ۱۱۳). حال پیشگیری از تکرار جرم گونه‌های مختلفی دارد، از جمله پیشگیری کیفی از تکرار جرم

(واکنشی)، بدین معنا که این نوع پیشگیری، دربرگیرنده مجموعه تدابیر و اقدامات نظام عدالت کیفری است که پس از وقوع جرم به منظور بازداشتن بزهکاران احتمالی و واقعی از ارتکاب بزهکاری نخستین یا دوباره اعمال می‌شود. تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی معمولاً از سازوکارهای متعددی برای سرعت بخشی به فرآیند کیفری استفاده می‌کنند تا از اطاله دادرسی کیفری، نادیده انگاشتن حقوق کنشگران دعوی کیفری و کاهش کارکرد پیشگیرانه نظام عدالت کیفری جلوگیری شود (نیازپور، ۱۳۸۹: ۳۷۴).

نوع دیگر، پیشگیری از تکرار جرم در چهارچوب دستاوردهای جرم‌شناسی (کنشی) است؛ بدین مفهوم که مجازات، رویکرد سنتی است که درواقع واکنشی به جرم است؛ اما پیشگیری غیر کیفری «کنشی»، تدابیر و شیوه‌های مختلفی است که برای پیشگیری از جرم و بزهکاری در بیرون از نظام کیفری به کار می‌روند. پیشگیری کنشی شامل آن دسته تدابیر و اقدامات غیر کیفری است که به پیش از ارتکاب جرم از طریق مداخله در اوضاع و احوال پیش جنایی و فرآیند شکل‌گیری شخصیت افراد به دنبال جلوگیری از وقوع بزهکاری می‌باشد. در تعریفی دیگر، پیشگیری غیر کیفری (کنشی یا پیشین) عبارت است از؛ اقدام مناسب غیر کیفری که قبل از وقوع پدیده مجرمانه از طریق کاهش یا حذف و خنثی‌سازی علل جرم‌زا و نامناسب نشان دادن موقعیت‌های ارتکاب، درصدد جلوگیری از رخ دادن بزه می‌باشد. (معظمی، ۱۳۸۶: ۹۳) پس مجازات یک اقدام کیفری محسوب می‌شود، ولی باید توجه داشت، اقدامات غیر کیفری در این زمینه مؤثرتر است. پیشگیری کیفری با پیشگیری واکنشی و پیشگیری غیر کیفری یا کنشی، دو تقسیم‌بندی کلی در حوزه پیشگیری از جرم هستند. همان‌طور که پیش‌ازین نیز مورد تأکید قرار گرفت، مجازات در دسته پیشگیری کیفری یا واکنشی قرار می‌گیرد که در واکنش به جرم و در قبال وقوع جرم صورت می‌گیرد. این در حالی است که پیشگیری کنشی یا غیر کیفری، فقط به جرم توجه نمی‌کند. رویکرد جرم‌مدارانه و واکنشی، امری غیرقابل‌اجتناب است، اما باید توجه داشت، دانش جرم‌شناسی به علل و عوامل و چرایی جرم توجه دارد و این‌که چرا افراد مرتکب جرم می‌شوند. در دیدگاه جرم‌شناسان، توجه می‌شود که مجرم به چه دلیل به‌طرف جرم گرایش پیدا می‌کند و سعی می‌شود، عوامل آن در جامعه از بین برود. پیشگیری غیر کیفری از یک‌سو به دنبال کشف و کنترل عوامل اجتماعی که ممکن است، فرد را در آینده در آستانه بزهکاری قرار دهد. از جمله نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده است و از سوی دیگر در پی از بین بردن یا دست‌کم کاهش فرصت‌های موجد سوء رفتار می‌باشد. (صبح دل، ۱۳۹۶: ۹۴) پیشگیری کنشی نیز به دودسته فرمدار و موقعیت‌مدار تقسیم می‌شود. در اقدامات کنشی فرمدار، تلاش می‌شود، با تدابیر غیر قهرآمیز، افراد به سمت هنجارها و قانون‌گرایی سوق داده شوند که این روش به شاخه‌های جزئی‌تر رشدمدار و جامعه‌مدار تقسیم می‌شود. در پیشگیری کنشی فرمدار، سعی می‌شود، کودکانی که زندگی آن‌ها در معرض خطر است، شناسایی شوند و دور از شرایط پرخطر قرار گیرند و از آن‌ها نیز حمایت شود. کودکی که در معرض اعتیاد قرار دارد، باید شناسایی شود و دور از خانواده معتاد قرار گیرد تا در آینده به‌سوی شرایط مشابه سوق پیدا نکند. از طرفی، پیشگیری کنشی جامعه‌مدار، بر ارتقای سطح زندگی، رفاه اجتماعی،



اشتغال برای همه، امکان دسترسی به آموزش و پرورش و شغل تأکید دارد. بخش دیگری از اقدامات کنشی (غیر کیفری) همان طور که تأکید شد، پیشگیری کنشی وضعی یا موقعیت است که در این شیوه زمینه‌های مساعد برای ارتکاب جرم از بین می‌رود؛ مثلاً در محلی که سرقت خودرو سابقه دارد، نگهبان می‌گذارند یا اگر تاریک است، روشنایی می‌گذارند و برای خودرو دزدگیر نصب می‌کنند. (خواجانه‌نوری، ۱۳۹۰) این شیوه نیز بدون توسل به زور و غیر کیفری است، اما این شیوه نیز موقت است و در واقع مسکنی برای جلوگیری از جرم است. در نهایت باید گفت، پیشگیری فردمدار و جامعه مدار، بهترین انواع پیشگیری است، چون ریشه‌ها و عوامل جرم در جامعه از بین می‌رود (خواجانه‌نوری، ۱۳۹۰).

حال، از جهت دیگر پیشگیری بر سه نوع است؛ پیشگیری اولیه، به معنای اطمینان حاصل نمودن از عدم بروز یک مشکل، فرایند و یا یک بیماری؛ پیشگیری ثانویه، به معنای شناسایی یا تغییر و اصلاح یک مشکل در کوتاه‌ترین مدت بعد از بروز آن و پیشگیری ثالث، به معنای متوقف ساختن و کند کردن جریان پیشرفت یک مشکل و پیامدهای آن (صفاری، ۱۳۸۷: ۹۰). نگاهی دقیق به اهداف مراکز مراقبت پس از خروج، نشان می‌دهد که این مراقبت‌ها در ردیف پیشگیری کنشی اجتماعی از نوع ثالث قرار گرفته‌اند. این مراکز با فعالیت‌هایی نظیر حرفه‌آموزی، ایجاد اشتغال، اعطای تسهیلات اعتباری، وام خوداشتغالی تأمین مسکن و خدمات مددکاری و مشاوره، سعی در پیشگیری از تکرار جرم دارند. اقدامات حمایتی سازمان زندان‌ها در حوزه‌های خانواده زندانیان، زندانیان آزادشده، کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال و مددکاری اجتماعی فعال است که این حوزه‌ها به صورت زنجیروار به هم مرتبط هستند. آنچه از اهمیت بیش‌تری برخوردار است، خانواده زندانیان و زندانیان آزادشده به جهت پیشگیری از آسیب‌ها و جلوگیری از بازگشت مجدد آن‌ها به زندان است. کانون توجه رویکرد مراقبت‌های پس از خروج، ابتدائاً بر شناسایی عوامل خطر است. برنامه باید به طور منطقی، باعث کاهش یا حذف عوامل خطر در برابر جرم شود؛ به طوری که افزایش عوامل حفاظت‌کننده را نیز در بر داشته باشد (آنسل، ۱۹۹۶: ۹۳). کاهش رفتار مشکل‌زا به معنای آموزش مهارت‌های کنترل، یکی از روش‌های کاستن از مشکلات رفتاری و برقراری قواعد صحیح نظارت و کنترل بر رفتار افراد، اجرای دائمی قواعد و تقویت رفتار مطلوب است؛ کمک به مددجو برای فراگیری نحوه حل مشکلات و رفع تعارضات مکمل وضع قواعد نظارتی است. با استفاده از این روش مددجو می‌آموزد تا به جای رفتار تهاجمی، به تأمل بیندیشد و راه‌حل‌های جایگزین را برای مشکلات بیابد (Bandura, 1997: 86).

#### ۴. اهداف، ساختار و اهم وظایف اداره مراقبت بعد از خروج

کنترل رفتار افراد بزهکار و پرخطر و مراقبت از آن‌ها از مهم‌ترین رسالت‌های سیستم قضایی هر کشور است. هدف بسیاری از مجازات‌ها من جمله حبس نیز کنترل بزهکار در محیط اختصاصی است؛ اما مراقبت منحصرأ در زندان به عمل نمی‌آید و حتی استفاده از کمپنه‌های کیفر زدا و مجازات‌های جایگزین حبس

نیز مانع تداوم مراقبت‌ها نیست. به همین خاطر قانون‌گذار دادرسان را مکلف کرده است تا در صورت لزوم در هنگام استفاده از نهادهایی مانند تعویق صدور حکم و یا تعلیق اجرای مجازات تدابیر مراقبتی را اعمال کنند. تدابیر مراقبتی اهداف، کارکردها و شیوه‌های خاص خود را دارد که در ادامه مطالبی در این خصوص تبیین می‌گردد.

#### ۴-۱ اهداف مراقبت پس از خروج

در یک نگاه کلی، اهداف این رویکرد را این‌گونه می‌توان ذکر کرد:

- **هدف کلی:** بر اساس ماده یک آیین‌نامه مراکز مراقبت، هدف کلی، پیشگیری از وقوع مجدد جرم و فراهم نمودن زمینه مساعد جهت بازگشت مددجویان به زندگی سالم اجتماعی است.
- **اهداف جزئی:** حمایت از مددجویان و پیگیری زمینه اشتغال و معرفی آنان به مراکز مختلف جهت حرفه‌آموزی؛ فراهم آوردن زمینه‌های بازگشت مجدد و آبرومندانه زندانیان به زندگی سالم اجتماعی و تسهیل شرایط پذیرش آنان در محیط خارج از زندان؛ پیگیری مسائل و مشکلات به‌ویژه در روزهای اولیه پس از آزادی؛ نظارت بر رفتار و تلاش در جهت تغییر نگرش و بازسازی شخصیت آنان؛ رفع مشکلات بهداشتی، درمانی، ارائه مشاوره‌های روانی، خانوادگی، شغلی، تحصیلی و غیره؛ تأمین نیازهای اولیه و ضروری مددجویان و خانواده‌های آنان.

#### ۴-۲ ساختار مراکز مراقبت پس از خروج

از ماده چهارم آیین‌نامه مراکز مراقبت پس از خروج این‌چنین برمی‌آید که اداره مراقبت پس از خروج، جهت انجام وظایف محوله از واحدهای زیر تشکیل می‌گردد:

- بخش آموزش حرفه‌آموزی و اشتغال، به‌منظور معرفی به مراکز فنی و حرفه‌ای، جهت آموزش و فراهم نمودن زمینه اشتغال و پرداخت وام خوداشتغالی؛
- بخش ارائه تسهیلات، جهت مطالعه و ارزیابی کلیه طرح‌های اشتغال و ارائه تسهیلات بخش بهداشت و درمان، جهت انجام مشاوره پزشکی و در صورت نیاز، ویزیت و نیز انجام تست مورفین و ایدز؛
- بخش خدمات مشاوره‌ای، به‌منظور بررسی مشکلات فردی و خانوادگی مددجویان.

#### ۴-۳ اهم وظایف اداره مراقبت بعد از خروج

با توجه به اینکه هدف اصلی مرکز مراقبت بعد از خروج پیشگیری از تکرار جرم و فراهم نمودن زمینه مساعد جهت بازگشت مددجویان به زندگی سالم اجتماعی است، وظایف این مرکز نیز در راستای هدف مزبور می‌باشد. لذا اهم وظایف مرکز مراقبت عبارت‌اند از: ارائه خدمات به مددجویان به‌ویژه در مراحل اولیه

آزادی، ارتقاء سطح دانش و فرهنگ، تربیت و تقویت اعتقادات مذهبی. ایجاد زمینه لازم جهت کارآموزی، اشتغال، ازدواج، ادامه تحصیل، تأمین مسکن، اعطای تسهیلات وام بانکی، مساعدت در وضع مددجویان و خانواده آنان از طریق استفاده از تخصص پزشکان، مددکاران اجتماعی، مربیان اصلاح و تربیت و صاحبان تخصص و حرف. جذب کمک‌های مردمی، انجمن‌ها و مؤسسات خیریه، احداث اماکن متناسب موردنیاز و تأمین صندوق حمایت از مددجویان.<sup>۱</sup>

##### ۵. اهداف برنامه‌های مراقبت در جهت پیشگیری از تکرار جرم

- **اصلاح مددجو:** اصلاح و بازپروری در اصطلاح، به معنای بهسازی اجتماعی یا اصلاح اخلاقی توأم با حسن رفتار است. در ارتباط با معنای اصطلاحی اصلاح و بازپروری، دو رویکرد «اجتماعی» و «اخلاقی» وجود دارد. رویکرد اجتماعی که از یافته‌های جرم‌شناسی تأثیر پذیرفته است و معیارهای مشخص و قابل‌سنجشی برای ارزیابی اصلاح فرد ارائه می‌دهد، اصلاح یا بازپروری را چنین تعریف می‌کند: «استحکام روابط اجتماعی و فردی بزهکار، به‌گونه‌ای که به وی اجازه دهد، به‌طور فعال در جامعه وارد شود، مهارت‌های مفید و مقبول اجتماعی را فراگیرد و در عمل، از این توانایی‌ها استفاده نماید» (Buchanan, 2004: 379). انجمن خدمات باز سازگاری اجتماعی کبک «کانادا» نیز بر اساس همین رویکرد، آن را چنین تعریف کرده است: «عدم تکرار جرم یا اقدام، به‌گونه‌ای که فرد پس از آن، بتواند سازگار با قانون و هنجارهای اجتماعی زندگی کند یا تقویت حس تعلق به جامعه» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۵۳). اصلاح و تربیت، نظر به خوبی، پاک‌ی، صالح شدن، رشد و پرورش نفس انسانی دارد؛ بنابراین، می‌توان گفت، هدف از اصلاح و تربیت زندانیان، این است که تغییری صانع و سازنده در اندیشه، رفتار و گفتار زندانیان به وجود بیاوریم که منجر به تغییر مثبت و کارآمد در رفتار و پرورش استعدادهاى نهفته در درون آن‌ها شود و از طرفی بتوانند با مقررات رسمی جامعه منطبق شده و به شهروند مُولد و دارای توانایی‌های والا تبدیل شوند (ایزدی، ۱۳۹۰: ۱۱).

- **بازپروری:** بازپروری بزهکار از گذر تعیین و اعمال مجازات، مستلزم آن است که مقام صلاحیت‌دار در مرحله قضایی، یعنی مرحله تحقیقات، محاکمه و در مرحله اجرای حکم و مرحله پس از اعمال کیفر «مرحله پساکیفری» با توجه به خصوصیات فردی و اجتماعی متهم، اوضاع و احوال ارتکاب جرم، رابطه بزهکار و بزه دیده، تحول رفتار و شخصیت او و... بتواند مناسب‌ترین قرار تأمین کیفری و کیفر در قالب تصمیم‌های خود تعیین، اجرا و در جریان اجرا جرح و تعدیل نماید. تصمیمی که علاوه بر تکیه بر قوانین و ملاحظات قضایی، به جنبه‌های اجتماعی و انسانی جرم و مجرم نیز توجه کرده باشد، بستر و لوازم بازپذیرسازی اجتماعی یا اصلاح اخلاقی، اجتماعی، حرفه‌ای بزهکار را فراهم خواهد آورد (نجفی

<sup>۱</sup> آیین‌نامه مراکز مراقبت بعد از خروج - مصوب اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۸

ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۲) پیامد بازپروری افراد مجرم در جامعه از یک سو نشان می‌دهند که از این راه می‌توان میزان جرم را کاهش داد. از این رو، به این مسئله باید توجه کرد که اگر این منابع هزینه شده برای نگهداری زندانیان یا ساخت و اداره زندان، به برنامه‌های پیشگیری از جرم مانند برقراری ارتباط با خانواده‌های زندانیان و کودکان و نوجوانان در معرض خطر، اختصاص می‌یافت، ممکن بود، امروز جلوی ارتکاب بسیاری از جرائم گرفته می‌شد. (خدایاری فرد، ۱۳۸۶: ۱)

- **مهارت‌های زندگی:** مهارت‌های زندگی، شخص را قادر می‌سازند تا دانش، نگرش و ارزش‌های وجودی خود را به توانایی‌های واقعی و عینی تبدیل کند و بتواند از این توانایی‌ها در استفاده صحیح‌تر نیروهای خود بهره‌گیرد و زندگی مثبت و شادابی را برای خود فراهم سازد. شخصی که از مهارت‌های زندگی بهره‌مند می‌شود، برنامه‌ریزی مناسب‌تری در امور مفید دارد و از هر کار بی‌فایده دوری می‌کند. به عبارت دیگر، برای زندگی برنامه و هدف دارد (Ryff, 1989: 1070). ریف معتقد است، داشتن درکی روشن، هدف‌دار و مشخص در زندگی بسیار مهم است. شخص باید احساس کند، زندگی او هدف‌دار و پر معنا است (Chambers, 1999: 131). همچنین هدف مشخص و مسیر محسوس جهت رسیدن به این هدف در زندگی باعث معنادار شدن زندگی می‌گردد. احساس هدف‌داری در زندگی می‌تواند در بهزیستی روان‌شناختی فرد تأثیرگذار باشد (McGregor & Little, 1998: 421). از آنجاکه یکی از مهم‌ترین عوامل ارتکاب جرم، عدم آشنایی مجرمان با چگونگی حل مشکلات خود، خانواده، دوستان و آشنایان است؛ بنابراین می‌توان با آموزش مهارت‌های زندگی به آنان، چه در دوران حبس و چه بعد از خروج، مانع ارتکاب مجدد جرم توسط آنان شویم. مسلماً اگر این مهارت‌ها به‌درستی آموزش داده شوند، اکثریت قابل توجهی از مجرمان مجدداً مرتکب جرم نخواهند شد (نورمحمدی، ۱۳۹۴: ۴۱).

- **ایجاد اشتغال و حرفه‌آموزی:** اگر زندانی آزادشده شغلی داشته باشد، مجدد به چرخه جرم بازمی‌گردد (Lambert et al. 2009: 166) همین امر برای خانواده زندانیان مصداق دارد. متأسفانه در ایران، هیچ اعتبار دولتی و مصوبی برای حمایت از خانواده زندانیان نداریم. برای نخستین بار در قوانین کشور، قانون احکام دائمی برنامه ششم توسعه، موضوع معیشت، اشتغال و آموزش خانواده زندانیان تصویب شده است. در فرایند اعطای تسهیلات اشتغال ابتدا از زندانیان آزادشده تست اعتیاد گرفته می‌شود، چنانچه متقاضی (زندانی آزادشده) طرح اشتغال داشته باشد، در کمیته اشتغال زندان‌ها بررسی شده، سپس پیشنهاد موردنظر به بانک مهر و صندوق کارآفرینی امید که موردتوافق سازمان زندان‌هاست ارسال می‌گردد، در صورت موافقت، تسهیلات با سود ۲ درصد به زندانیان آزادشده پرداخت می‌شود. افزون بر ۲۰ درصد زندانیان به چرخه جرم یا زندان بازمی‌گردند، اما زندانیانی که تسهیلات دریافت می‌کنند، بازگشت آنان کم‌تر از ۳ درصد ثبت شده که این امر مؤید نقش شغل و درآمد در کاهش جرم یا کاهش تکرار جرم است. زندانیانی که در زندان به سر می‌برند، هزینه درمان، بهداشت، آموزش و نگهداری دارند، به زندانبانان و کارمندانی که از آن‌ها نگهداری می‌کنند حقوق پرداخت می‌شود، اماکن نیز نیازمند

هزینه نگهداری است، اگر هزینه‌های مزبور صرف اشتغال آنان گردد، نرخ ارتکاب مجدد بزهکاری به نحو چشمگیری کاهش می‌یابد. در این رابطه، به‌موجب ماده ۷ آیین‌نامه مراکز مراقبت بعد از خروج، مصوب اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۸، اداره مراقبت بعد از خروج در جهت تمرکززدایی در شهرهای بزرگ و مراکز استان‌ها می‌تواند به متقاضیان کار در شهرستان‌های کوچک و روستاها کمک ویژه و در صورت لزوم، با تصویب مدیرکل زندان‌های استان مربوطه، کمک بلاعوض اعطا نماید. به‌موجب ماده ۱۰ نیز ادارات مراقبت بعد از خروج می‌توانند به‌منظور حمایت از مددجویان و تسهیل در فروش تولیدات آنان، نسبت به ایجاد فروشگاه‌ها، نمایشگاه‌ها و بازاریابی و انجام سایر امور بازرگانی اقدام نمایند.

**کنترل و نظارت:** به‌طور نسبی ۸۰ درصد جرائم را تنها ۲۰ درصد افراد جامعه که به آن‌ها مجرمان حرفه‌ای و سابقه‌دار گفته می‌شود، مرتکب می‌شوند؛ بنابراین مدیریت این‌گونه مجرمان مهم و قابل توجه است (سلیمی و جزینی، ۱۳۹۷: ۴۰۲). بحث نظارت بر مجرمان خطرناک رویکردی جدید با نام رویکرد مدیریت ریسک مدار یا جرم‌شناسی نو کیفرشناسی نو نام دارد و سیاست نوین مدیریت خطر، مفهوم نوین مجرم خطرناک و موضوع نظارت بر این دسته از مجرمان، رویکرد جدیدی است که امروزه از آن به‌عنوان سیاست مدیریت خطر یاد می‌شود و هدف از به‌کارگیری آن از سوی کشورها، رساندن آمار ارتکاب جرائم به‌اندازه قابل تحمل در جامعه است. در حال حاضر بسیاری از کشورهای جهان علاوه بر مجازات قانونی، نظارت و مراقبت را نیز به‌منظور مدیریت خطر ارتکاب جرم از سوی این قبیل بزهکاران پیش‌بینی کرده‌اند (بابایی، ۱۳۹۸: ۱۱۸). نظارت کنترل از جهات مختلف به انواع گوناگونی تقسیم شده است که در این تحقیق به‌تناسب موضوع، نوع رسمی و غیررسمی آن مدنظر می‌باشد. منظور از نظارت رسمی یا مستقیم، آن است که مدیر و مسئول رسمی بدون هیچ‌گونه واسطه‌ای بر هدف (مجرمان) ناظر باشد و ریزترین و درشت‌ترین مسائل را کنترل نماید (ذوالفقاری و روحانی، ۱۳۹۳: ۴۲۴). منظور از کنترل غیررسمی، مجموع آن اقداماتی است که از سوی جامعه به‌طور عام علیه مجرمان صورت می‌گیرد. از منظر قوه قضائیه، آمارها نشان می‌دهد، (سلیمی، ۱۳۹۶: ۳۱) مرتکبان جرائم سنگین غالباً مجرمان حرفه‌ای هستند که حتی در ایام مرخصی از زندان نیز مرتکب جرم می‌شوند؛ بنابراین کنترل و پایش اعمال و رفتار آنان برای جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم ضروری بوده و اجتناب‌ناپذیر است. از منظر پلیس، مدیریت و نظارت مجرمان خطرناک و سابقه‌دار موضوعی است که از سال‌ها قبل دغدغه ناجا در سطوح مختلف بوده است و اقدامات ستادی و اجرایی فراوانی را در این خصوص انجام داده است؛ به‌عنوان نمونه، نیروی انتظامی در مردادماه ۱۳۸۳ از طریق وزارت کشور، لایحه‌ای را تحت عنوان «نظارت بر مجرمان سابقه‌دار» به مجلس ارائه کرد. از طرفی، هرچند ظاهر اقدامات سازمان زندان‌ها سخت و کیفری است، اما این قابلیت را نیز دارد تا بتواند از ارتکاب مجدد جرم توسط زندانی خود به طرق اجتماعی، وضعی و کیفری پیشگیری نماید (سلیمی، ۱۳۹۶: ۳۱). علاوه بر موارد ذکرشده، در علت‌شناسی بزهکاری، خانواده، ایفاگر نقش مستقیم و بسیار مهم است، به‌گونه‌ای که در وجود

افرادش عاداتی را ایجاد می‌کند که اساس تمام فعالیت‌های بعدی آن‌ها خواهد بود (کی‌نیا، ۱۳۷۶: ۶۰۴)؛ بنابراین پیشگیری خانواده محور مطرح گردیده و بر نقش آن تأکید شده است. در محل کار نیز، افرادی تحت عنوان رئیس، مدیر، کارفرما، صاحب کار و همکاران وی حضور دارند و ساعاتی از شبانه‌روز را با وی سپری نموده و به وسیله سیستم‌های رسمی و غیررسمی آن محل می‌توانند بحث نظارت و کنترل را بر وی اعمال نمایند (سلیمی و جزینی، ۱۳۹۷: ۱۵).

## ۶. چالش‌های مراکز مراقبت پس از خروج از زندان

از جمله چالش‌های مراکز مراقبت پس از خروج از زندان می‌توان به عدم آشنایی جامعه در برخورد مناسب با زندانیان آزادشده، محرومیت از حقوق اجتماعی به تبع اجرای حکم، عدم اجرای صحیح برنامه‌های حرفه‌آموزی در زندان، عدم استقبال مددجویان از شرکت در کلاس‌های مهارت اجتماعی، مقررات استخدامی نهادها و عدم اعتبار کافی و منابع تخصیص داده شده اشاره کرد که در ادامه به توضیح هریک خواهیم پرداخت.

### ۶-۱ عدم آشنایی جامعه در برخورد مناسب با زندانیان آزادشده

نگرش منفی جامعه نسبت به زندانی در واقع در نتیجه عمل یا ارتکاب جرم توسط وی به وجود آمده است، این ذهنیت موجب حس بدبینی در بین مردم شده است. اگرچه بی‌توجهی و طرد زندانی آزادشده از علل تحریک حس انتقام‌جویی از جامعه و زمینه‌ساز تکرار جرم است، اما به‌رحال این افراد پس از آزادی نیز معمولاً به راحتی در اجتماع پذیرفته نمی‌شوند. البته با توجه به انعطاف قانون‌گذار در سیاست‌گذاری جنایی و تحول مجازات‌ها، در صورت استفاده و گرایش دستگاه قضایی از این نوآوری‌ها و تأسیسات حقوقی جدید بخش قابل توجهی از این معضلات مرتفع و آمار زندانیان به نحو چشمگیری کاهش خواهد یافت.

### ۶-۲ محرومیت از حقوق اجتماعی به تبع اجرای حکم

از موانع بر سر راه مراکز مراقبت پس از خروج می‌توان به مواردی از جمله موانع موجود در مقررات حقوق کیفری اشاره کرد، بدین توضیح که تطبیق قوانین به‌ویژه قوانین کیفری با مبانی فقهی، از دغدغه‌های مهم قانون‌گذار پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. یکی از مسائل مورد بحث در حقوق جزا، مجازات‌های تکمیلی و تبعی است. مجازات‌های تبعی، محرومیت‌های اجتماعی و مدنی را در پی داشته و موجب می‌شود که افراد بزهکار بعد از اجرای حکم نتوانند به کار و شغل آبرومندانه و مشروعی مشغول شوند و بدین ترتیب، یکی از حلقه‌های اصلی اتصال فرد به جامعه که همان اشتغال است، از بین می‌رود. اعمال مقررات ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بدون لحاظ ویژگی‌های اجتماعی و فردی، محدودیت‌هایی به دنبال دارد و حیات اجتماعی شخص را به مخاطره می‌اندازد. به‌راستی شخصی که به‌صورت اتفاقی و یا به نحو دیگری

مرتکب یکی از جرائم مشمول این ماده می‌شود، چه لزومی دارد که از حقوق اجتماعی که لازمه زندگی در جامعه است، محروم شود. منزوی کردن بزهکار و طرد او از جامعه، دشوار سازی استخدام و اشتغال مجدد او به صورت کاملاً آشکاری با رسالت حقوق کیفری که همانا بازگرداندن بزهکار به روال عادی زندگی خود است در تضاد است.

### ۶-۳ عدم اجرای صحیح برنامه‌های حرفه‌آموزی در زندان

هرچند که مسئله اشتغال و حرفه‌آموزی در راستای برنامه‌ریزی‌های طراحی شده در زندان‌های بسته و مراکز کنترل و نظارت بر مراقبت‌های بعد از خروج باید صورت پذیرد، اما اصل حرفه‌آموزی برای مجرمین باید قبل از آزادی آن‌ها از زندان‌ها و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی، هنگامی که در حال تحمل کیفر هستند، میسر گردد همه طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های آینده‌نگر همسو با اقتصاد ملی و محلی در مسائل اشتغال نیز باید در آن مراکز تدوین و اجرا شود و در سیستم‌های خدمات‌دهی همانند مراکز مراقبت‌های بعد از خروج، ادامه آن دانش‌ها و تخصص‌ها و یا در همسویی و همراه با آن برنامه‌ها حرفه‌آموزی و اشتغال صورت گیرد. لذا در مراکز خدمات‌دهی مراقبت‌های بعد از خروج، تنها بایستی بحث حرفه‌آموزی و اشتغال مولد و سازنده ادامه داشته باشد، بلکه اگر ما برنامه‌ریزی‌های صحیح علمی و کاربردی در بحث اشتغال را در زندان‌ها و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی و نگهداری مجرمین داشته باشیم، سرویس‌های خدمات‌دهی در مراکز مراقبت‌های بعد از خروج، صرفاً مسئله کارایی تذهیب امور برای کار مجرمین آزاد شده و تهیه امکانات مادی و معنوی برای استمرار و یافتن کار و شغل و تقویت آن خواهد بود، نه بحث اساسی حرفه‌آموزی؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین وظایف مراکز مراقبت بعد از خروج، مسئله مهم کارایی و به کارگماری و تهیه شغل برای زندانیان تحت حمایت مراقبت‌های بعد از خروج خواهد بود؛ از مسائل بسیار عمده و مهم دیگری که زندانیان با آن دست‌به‌گریبان هستند، مسائل اقتصادی و نیاز به کمک‌های مادی مسکن و مشکلات همراه با آن برای شروع مجدد یک زندگی سالم و طبیعی خانوادگی و اجتماعی است که تعدادی از آنان شدیداً نیازمند رفع این مشکل هستند (کی نیا، ۱۳۸۴: ۴۳).

### ۶-۴ عدم استقبال مددجویان از شرکت در کلاس‌های مهارت اجتماعی

یکی از نقاط آسیب‌پذیر در حوزه مراقبت، عدم استقبال مددجویان در خصوص استفاده از خدمات مشاوره و کلاس مهارت‌های اجتماعی می‌باشد. اکثر مددجویان در زندان‌ها به منظور بهره‌مندی از امتیازات متعدد از قبیل نهادها و تأسیسات حقوقی نوین، مرخصی پایان حبس و ... ضمن رعایت حسن اخلاق و رفتار در برنامه‌های اصلاحی و کلاس‌ها شرکت می‌کنند، اما واقعیت آن است که آزادی پیش از موعد مقرر به‌ویژه در قالب بخشنامه‌ها، علی‌رغم محاسن فراوان، موجب کندی اجرای سیاست‌های این مرکز است، زیرا بسیاری از این افراد پس از آزادی به مرکز مراقبت بعد از خروج مراجعه نمی‌نمایند.

## ۶-۵ مقررات استخدامی نهادها

مطالعه مقررات استخدامی نهادهای عمومی، حاکی از آن است که یکی از معیارهای استخدام داوطلبان، عدم سوءپیشینه کیفری است؛ نهادهای مذکور حتی برای استخدام در پایین‌ترین رده سازمانی خود این معیار را در نظر می‌گیرند؛ حال به‌منظور سامان بخشی به این وضعیت، ضروری است، قوه قضاییه که مطابق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، مسئول بازپذیری بزهکاران و از سوی دیگر، متضرر مستقیم تکرار جرم در جامعه است، اقدام مقتضی را برای تدوین پیش‌نویس مقررات مناسب برای اعاده حیثیت بزهکاران انجام داده و برای پایان دادن به این روال مخرب و غیرانسانی اقدام کند. مقرراتی که به این شکل تصویب شده و بزهکاران را از حق اشتغال و حقوق اجتماعی محروم می‌کنند، با آرمان‌های عدالت کیفری در عصر حاضر که به دنبال بازپذیری بزهکاران در جامعه است، در تضاد هستند (غلامی، ۱۳۸۵: ۵۷).

## ۶-۶ عدم همکاری دستگاه‌ها با مراکز مراقبت بعد از خروج

علی‌رغم مصوبات و آیین‌نامه‌هایی در خصوص لزوم همکاری دستگاه‌ها و نهادهای دیگر با مراکز مراقبت پس از خروج در راستای حل مشکلات مددجویان، همکاری لازم از طرف این مؤسسات مشاهده نمی‌گردد (نیازپور، ۱۳۸۷: ۵۷)؛ اما رسالت نهادهای حمایتی، پشتیبانی و حمایت مادی و معنوی از مددجویان است. لذا ضرورت دارد در تکمیل فرایند توانمندسازی و بازگشت زندانیان آزاد شده به زندگی سالم، هم پای مراکز مراقبت بعد از خروج در این امر مهم مشارکت و اهتمام ورزند، بدیهی است چنانچه زندانیان آزاد شده به حال خود رها گردند یا به هر دلیلی تحت حمایت قرار نگیرند برنامه‌ها و تلاش‌های اصلاحی و باز پروران توفیق چندانی نخواهد داشت.

## ۶-۷ عدم اعتبار کافی و منابع تخصیص داده شده

هزینه‌ای که با ایجاد مراکز کنترل و حمایت از زندانیان و بزهکاران سابقه‌دار ایجاد می‌شود، به مراتب و دهها بار کم‌تر از هزینه‌هایی است که در صورت نگهداری مجرمین در زندان‌ها بر بودجه کشورها تحمیل می‌گردد (شمس و بوالهروی، ۱۳۸۷: ۳۶). با این حال، مهم‌ترین مشکل مراکز مراقبت، عدم اعتبار کافی و منابع تخصیص داده شده به مراکز با توجه به آمار ورودی و خروجی زندان‌ها می‌باشد. این نکته حائز اهمیت است که در مراحل اولیه آزادی زندانی، کمک‌های مادی به نحو شایسته ارائه گردد؛ چراکه دوران انتظار طولانی تراکم جمعیت متقاضیان، عدم افزایش اعتبارات کفه ناکرده‌ها را سنگین‌تر کرده و زحمات مراکز را کم‌رنگ‌تر جلوه می‌دهند. با توجه به حجم نیازهای مراجعین و مددجویان تحت پوشش و ضرورت اقدامات فوری و سریع برای رفع مشکلات برخی مددجویان، تثبیت وضعیت پیشگیری از تکرار جرم، مستلزم افزایش توان مالی و دسترسی به منابع کافی است که بایستی به آن اندیشید و نیز کمک‌های بلاعوض در خصوص رفع



مشکلات مددجویان در نظر گرفته شود (ماتیوز و فرانسیس، ۱۳۸۱: ۲۴). کمبود وسایل حمل و نقل برای انجام تحقیقات و بازدید از محل کار و نظارت بر رفتار فرد از طریق تحقیق محلی مانع تماس مؤثر با مددجویان است و همچنین فضای ناکافی و عدم ساختمان مجهز از دیگر مشکلات این مراکز می‌باشد.

### نتیجه

زندانیان پس از آزادی از زندان با معضلات و چالش‌های عدیده‌ای از جمله عدم اعتبار اجتماعی، عدم حمایت خانواده، افسردگی، ناکامی در کسب شغل مناسب، بدهی، فقر و عدم سرمایه جهت اسکان و سرپناه مواجه می‌شوند و همین امر سبب بازگشت آن‌ها به سمت بزهکاری و تکرار جرم می‌گردد. از این رو، وجود مؤسسه‌ای که قادر باشد، زندانی آزاد شده را مورد حمایت و مراقبت قرار دهد ضروری است. وجود این مراکز برای دولت نیز کمک شایانی محسوب می‌شود؛ زیرا هر بار، با ورود یک نفر زندانی به زندان، هزینه‌های گزافی بر دولت تحمیل می‌گردد. لذا مراکز مراقبت پس از خروج، هم برای مددجو و هم برای دولت مفید و کارآمد است و هم این‌که سطح امنیت اجتماعی را در کشور بالا می‌برد. مرکز مراقبت بعد از خروج با اعطای وام‌های خوداشتغالی کم‌بهره و بعضاً بلاعوض در جهت استقلال مالی مددجویان گام برمی‌دارد. اگر زندانی آزاد شده از سوی خانواده، دوستان و به‌طور کلی، اجتماع و نهادهای اجتماعی مورد پذیرش و حمایت قرار گیرد، بخش مهمی از آسیب‌های پساکیفری کاهش می‌یابد؛ زیرا احساس انزوای اجتماعی، باعث ایجاد حس عدم تعلق شخص به هنجارها و ارزش‌ها و درنهایت، انفصال و انفکاک از جامعه شده است که همین امر بستر آسیب‌های اجتماعی و تکرار بزهکاری را فراهم می‌آورد. اقدامات سازمان زندان‌ها که مبنای جرم شناختی دارد در پیشگیری از تکرار جرم مؤثر است و در درازمدت مانع ایجاد آسیب‌های اجتماعی خواهد شد. راه‌اندازی مراکز مراقبت بعد از خروج به صورت یک نهاد رسمی و اجتماعی و ارائه خدمات و حمایت‌های لازم به مددجویان از سوی این مراکز گام مثبتی برای زندانبانی نوین محسوب می‌شود؛ اما هم اکنون عینیت‌ها نشان می‌دهد که چالش‌های متعددی در این خصوص وجود دارد. تعارض قوانین کیفری با اهداف حقوق کیفری، بی‌توجهی دادرسان به مراقبت‌های حین تعویق و تعلیق اجرای مجازات و فراهم نبودن بسترهای لازم جهت مراقبت و حمایت از زندان‌ها از جمله مهم‌ترین چالش‌ها در این حوزه است.

### پیشنهادها

- پیشنهاد می‌شود، با سرمایه‌گذاری بیشتر در اشاعه و گسترش سواد رسمی و همچنین حرفه‌آموزی و اعطای مدارک معتبر از سوی سازمان زندان‌ها و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای، در مراکز مراقبت بعد از خروج، که تغییر نگرش سنتی زنان و مردان بزهکار و جامعه سالم را در پی دارد، می‌توان در جهت کنترل اجتماعی زیرساخت‌های آسیب‌زای جرم و بزهکاری گام مؤثری برداشت.

- نحوه برخورد خانواده و جامعه با زندانیان آزادشده از زندان، نقش بسیار مهمی در پیشگیری از تکرار جرم دارد. پس ضروری است، آن‌ها را در جامعه پذیرفت و بر این باور بود که هیچ انسانی مصون از اشتباه نیست و ممکن است، تمام انسان‌ها روزی دچار خبط و خطا شده و مرتکب بزه شوند.
- اصلاح و درمان بیماری‌های روحی و روانی و دسترسی آسان مجرمان به خدمات درمانی مراکز کلینیکی.
- پیشنهاد می‌شود، برنامه آموزش مهارت‌های زندگی، در کل زندان‌های کشور و مراکز خدمات اجتماعی و مراقبت پس از خروج زندان‌ها و مراکز تأمینی و تربیتی شامل کلیه زندانیان در حال تحمل کیفر و زندانیان آزادشده و مراکز نظامی مانند مراکز کار اجباری، سربازخانه‌ها و نیروی انتظامی و مراکز حمایتی مانند بهزیستی، کمیته امداد امام (ره)، هلال‌احمر، بنیاد جانبازان و... به صورت منظم اجرا شود.

## منابع

### ۱. فارسی

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۱)، «بازپروری عادلانه مجرمان»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۳.
- اسداللهی، عبدالرحیم، محسنی تبریزی، علیرضا و براتوند محمود (۱۳۸۸)، «نقش مرکز مراقبت بعد از خروج در اشتغال‌زایی زنان زندانی خوزستان»، رفاه اجتماعی، شماره ۳۴.
- اشراقی، مهرداد (۱۳۸۹)، نقش موقعیت در پیشگیری از وقوع جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران.
- ایران پور، یلدا و شبیری، عباس و عظیم زاده، شادی، (۱۳۹۹)، تأثیر سرمایه اجتماعی بر بزهکاری (مطالعه موردی: جوانان (۱۸ تا ۲۹) بزهکار و عادی شهر کرج)، مجله مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره هفتم، شماره ۴ علمی - پژوهشی.
- ایزدی، عبدالله (۱۳۹۰)، مطالعه تطبیقی راهبردهای اصلاح و درمان ایران و کانادا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- آنسل، مارک (۱۹۹۶)، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- بابایی، محمدعلی (۱۳۹۸)، جرم‌شناسی بالینی، چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.
- براتوند، محمود و اسداللهی، عبدالرحیم (۱۳۸۴)، سیر جرائم در اهواز بر مبنای مطالعات منطقه‌ای، طرح پژوهشی مرکز آموزش عالی منطقه ۳ زندان‌های کشور، اهواز، اداره کل زندان‌های خوزستان.
- بولک، برنارد (۱۳۸۷)، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات نشر.

- بیگی، جمال و داداشی چکان، محمدمهدی (۱۳۹۶)، پیشگیری وضعی از جرائم زیست‌محیطی در ایران و اسناد بین‌المللی، چاپ نخست، تهران: انتشارات خرسندی.
- خدایاری فرد، محمد (۱۳۸۶)، روان‌درمانگری و توان‌بخشی زندانیان و بررسی اثربخشی آن در زندان رجایی شهر، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، شورای برنامه‌ریزی و مدیریت بهداشت روان و اصلاح رفتار زندانیان اداره کل سازمان زندان‌های استان تهران.
- خواججه‌نوری، یاسمن (۱۳۹۰)، «پیشگیری کنشی به‌جای واکنشی»، منتشرشده در روزنامه شرق، شماره ۱۴۷۶.
- ذوالفقاری، حسین و روحانی، احمد (۱۳۹۳)، فرماندهی و مدیریت انتظامی، تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- رستمی تبریزی، لمیاء (۱۳۹۲)، «نقش مرحله پساکیفی در پیشگیری از تکرار جرم با تکیه بر بزه‌کاری زنان»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۱.
- سروستانی، صدیق (۱۳۸۷)، آسیب‌شناسی انحرافات اجتماعی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- سلیمی، اکبر (۱۳۹۶)، رویه‌های پیشگیری از جرم، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- سلیمی، اکبر و جزینی، علیرضا (۱۳۹۷)، «نحوه کنترل مجرمان سابقه‌دار جهت پیشگیری از تکرار جرم پس از رهایی از زندان (مورد مطالعه: شهرستان گرگان)»، فصلنامه علمی دانش انتظامی گلستان، دوره ۹، شماره ۳۵.
- شمس، علی و بوالهروی جعفر (۱۳۸۷)، آموزش روانشناسی برای زندانیان، چاپ اول، تهران: سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی.
- صالحی مقدم، مهدی و حسینی، شهربانو و اصغری عبدالرضا (۱۳۹۷)، «چالش‌های فقهی تحمیل مجازات‌های تبعی و تکمیلی بر مرتکبان جرائم حدی و قصاص در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۶.
- صبح دل، محمد، (۱۳۹۶)، جایگاه حقوقی قوه قضاییه در پیشگیری اجتماعی، مجله قانون یار، سال اول، شماره ۴.
- صفاری، علی (۱۳۸۷)، کیفرشناسی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات جنگل.
- علمی، محمود و تقی‌لو، فرامرز و موسی زاده، رحیم، (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بیگانگی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نقدة، مجله مطالعات جامعه‌شناسی، شماره ۶.
- غلامی، حسین (۱۳۸۵)، بررسی جرم‌شناسی تکرار جرم، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

فتح الهی، سید سیامک، مهدی حسینعلی زاده و حاجعلی صالحی (۱۳۹۵)، «چالش‌های فرماندهان و مدیران انتظامی در کنترل جرائم منافی عفت با تأکید بر باغ تالارها در شهرستان ملارد»، دانش انتظامی غرب استان تهران، شماره ۳.

کی نیا، مهدی (۱۳۸۴)، مبانی جرم‌شناسی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کی نیا، مهدی (۱۳۷۶)، روان‌شناسی جنایی، جلد دوم، تهران: انتشارات رشد.

گسن ریموند (۱۳۷۰)، «روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱۹.

گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۹)، بایسته‌های حقوق جزا، چاپ بیست و چهارم، تهران: انتشارات میزان.

ماتیوز، راجر و فرانسس پیتر (۱۳۸۱)، زندان‌ها در هزاره سوم، ترجمه لیلا اکبری، تهران: انتشارات راه تربیت.

محبیان، زهرا (۱۳۹۵)، «کارکرد اداره مراقبت بعد از خروج از سازمان زندان و تأثیر آن در پیشگیری از جرم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.

محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳)، وندالیسم: مبانی روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی رفتار وندالیستی در مباحث آسیب‌شناسی و کژ رفتاری اجتماعی، چاپ نخست، تهران: نشر آن.

مشیری، مهشید (۱۳۶۴)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات سروش.

معظمی، شهلا (۱۳۸۸)، بزهکاری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران: انتشارات دادگستر.

معظمی، شهلا، (۱۳۸۶)، پیشگیری جرم‌شناسی، فصلنامه مجد، شماره اول

معین، محمد (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

نجفی ابرندآبادی علی حسین (۱۳۷۸)، «پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵ و ۲۶.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۶)، قضایی شدن مرحله اجرای مجازات، دیباچه در: فخرالدین جعفر زاده، اجرای احکام کیفری در حقوق کیفری ایران و فرانسه، تهران، نشر دادیار.

نوربها، رضا (۱۳۸۵)، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ سوم، تهران: انتشارات گنج دانش.

نورمحمدی، حسن (۱۳۹۴)، مراقبت‌های قبل و بعد از خروج زندانی و تأثیر آن‌ها بر کاهش جرم، منتشرشده در وب‌سایت اداره کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان قزوین.

نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۷)، بزهکاری به عادت از علت‌شناسی تا پیشگیری، چاپ نخست، تهران: انتشارات فکر سازان.

نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۹)، «سرعت بخشی به فرآیند کیفری، سازوکاری برای پیشگیری از بزهکاری»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۸.

۲. غیرفارسی

- Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*. New York, NY: W.H.Freeman.
- Buchanan, J. (2004). Missing links? Problem drug use and social exclusion. *Probation Journal*, 51(4), 387-397.
- Christopher, J. C. (1999). Situating psychological well-being: Exploring the cultural roots of its theory and research. *Journal of Counseling & Development*, 77(2), 141-152.
- Lambert, E. G. Hogan, N. L. Moore, B. Tucker, K. Jenkins, M. Stevenson, M. & Jiang, S. (2009). The impact of the work environment on prison staff: The issue of consideration, structure, job variety, and training. *American Journal of Criminal Justice*, 34(3-4), 166.
- McGregor, I. & Little, B. R. (1998). Personal projects, happiness, and meaning: on doing well and being yourself. *Journal of personality and social psychology*, 74(2), 494.
- McLaughlin, E. & Muncie, J. (Eds). (2012). *The Sage dictionary of criminology*. Sage.
- Ryff, C. D. (1989). Happiness is everything, or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. *Journal of personality and social psychology*, 57(6), 1069.